

پژواک بازی‌ها و سرگرمی‌ها در بوستان سعدی شیرازی

*میشم زارعی

چکیده

سرگرمی‌ها و بازی‌های محلی بخشی از فرهنگ و آداب و سنن هر جامعه محسوب می‌شوند که متناسب با وضعیت اقلیمی و فرهنگی هر منطقه طراحی شده‌اند. مطالعه و معرفی این بازی‌ها از آن جهت حائز اهمیتند که می‌توانند به ما دانشی در خصوص داشته‌های فرهنگی مان بدهند. از آنجا که بسیاری از عناصر فرهنگ عامه همچون: آداب و رسوم، اعتقادات و باورهای عامیانه، بازی‌ها و سرگرمی‌ها، پوشاک و خوراک، و سایر موارد دیگر در ادبیات فارسی انعکاس یافته، در این جستار کوشش شده تا به بررسی تفریحات و سرگرمی‌های مردم شیراز در کتاب بوستان سعدی که تأثیرات بسیار شگرف و گسترده‌ای بر فارسی‌زبانان گذاشته و منعکس‌کننده رفتار و عقاید ملی می‌باشد، بپردازیم. سعدی شیرازی به طور گسترده‌ای از عناصر فرهنگ عامیانه در شعر خود استفاده کرده است، کتاب بوستان وی علاوه بر ارزش تاریخی و ادبی بسیاری که دارد آئینه‌ای است که تصاویری از عادات، رفتارها و سنت‌های آن روزگار را در خود منعکس ساخته است.

کلید واژه‌ها: بازی‌ها، بوستان سعدی شیرازی، سرگرمی‌ها، ورزش‌ها.

۱. مقدمه

۱-۱. بیان مسأله

بازی‌ها به طور عام، دارای یک بار فرهنگی هستند. بازی‌های بومی، قبیله‌ای، محلی و سنتی ایرانی علاوه بر بار فرهنگی، از جذابیت و تنوع بالایی نیز برخوردار هستند. با توجه به پهنای اقلیمی، و قومی و قبیله‌ای در ایران، انواع بازی‌ها با هدف‌های خاص طراحی شده و میان مردم رایج بوده است. « مطالعه و بررسی "فرهنگ عامیانه" که شامل عناصر گوناگونی از آداب مردم جامعه در زمان‌های مختلف است، از جمله پژوهش‌های ضروری است که در حوزه گسترده ادبیات فارسی و حتی دیگر علوم از جمله جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی کاربرد چشمگیری دارد. امروزه فرهنگ عوام یا همان " فولکلور" توسعه شگفت‌آوری پیدا کرده است. فرهنگ عوام در زبان فارسی معادل کلمه، بین‌المللی فولکلور گرفته شده است. فولکلور نیز کلمه‌ای است مرکب از دو جزء یکی Folk و دیگری Lore و معنی آن دانش عوام است. » (محبوب، ۱۳۸۳: ۳۵)

هر بازی ویژگی‌های خاص خود را داراست که می‌توان به مکان، ابزار و امکانات، سن و حتی جنسیت بازیکنان نیز توجه داشت. سعدی لازمه بازی را نشاط جوانی و سرزندگی به حساب می‌آورد:

چون کودکان که دامن خود اسب دامن سوار کرده و میدان آرزوست
کرده اند

(سعدی، ۱۳۸۵: ۲۶۸)

بالغ بر بیش از ۱۵۰ نوع بازی سنتی در شیراز و به خصوص در ایران وجود داشته که به مرور زمان و تغییر شیوه‌های زندگی، نسل امروز با بسیاری از آنها بیگانه است. « از نظر سعدی دوران پیری، دوران ضعف و ناتوانی و در عین حال زمان پختگی و تجربه است. در این دوره ضعف جسمانی از یک طرف و قدرت تجربه از طرف دیگر در انسان نمایان می

گردد. اما متأسفانه پیر، جست و خیز و شور و حال جوانی را در این سن از دست می‌دهد.» (معبودی، ۱۳۸۶: ۱۱۹)

چون پیر شدی ز کودکی دست
بازی و ظرافت به جوانان بگذار
بدار

(سعیدی، ۱۳۸۷: ۱۵۲)

۲-۱. هدف پژوهش

هدف جستار حاضر تحقیق و بررسی تفریحات و مشغولیات مردم شیراز اعم از بازی‌ها، ورزش‌ها، سرگرمی‌ها، گردش‌ها، تفریح و شادی‌ها بر اساس بوستان سعیدی است.

۳-۱. پیشینه پژوهش

- دالوند، حمیدرضا (۱۳۸۴) در مجله فرهنگ مردم طی چندین مقاله سابقه توجه به فرهنگ مردم را مورد بررسی قرار داده است. و بر این عقیده است که: «نگاهی هر چند کوتاه و جست و جویی نه چندان ژرف بر گستره‌ی تاریخی بر ادبیات فارسی و نیز تحلیل آثار بر جای مانده ما را به این واقعیت رهنمون می‌سازد که پژوهش‌های فرهنگ مردم نه چون درونمایه و شالوده آثار سترگ ادبیات ایرانی که گاه به صورت جداگانه مورد توجه بوده‌اند.» (دالوند، ۱۳۸۴: ۵)

- خدیش، حسین (۱۳۸۵) در بخش آغازین کتاب فرهنگ مردم شیراز، پاره‌ای از واژه‌های مصطلح و عامیانه مردم شیراز به همراه آوانویسی واژه‌ها و معنی آن‌ها آورده است. و در ادامه نیز، گوشه‌های دیگری از فرهنگ مردم شیراز شامل واژه‌ها، متلک‌ها، آداب و رسوم، پختنی‌ها (غذاها)، بازی‌ها و شعرهای عامیانه مردم قدیم شیراز، و کبوتر و کبوتربازی به ترتیب حروف الفبا معرفی و تشریح نموده است.

- زیانی، جمال (۱۳۸۷) در کتاب آداب و رسوم و باورها در شعر حافظ، به برخی از آداب و رسوم مردم شیراز در عصر حافظ اشاره نموده است.

- همایونی، صادق (۱۳۸۸) نیز در کتاب سایه عقاید و سنت‌های مردم شیراز در زمان حافظ بر شعر او، به گوشه ای از آداب و رسوم، باورها و عقاید، و اصطلاحات و ضرب المثلهای نهفته مردم شیراز در دیوان حافظ پرداخته است.

۴-۱. روش پژوهش

برای انجام این تحقیق به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای ضمن مطالعه مکرر و استخراج ابیات مورد نظر در بوستان، به مقاله‌ها و کتاب‌های همچون: گلستان، غزلیات و کلیات شیخ استناد شده است.

۲. بحث اصلی

سعدی که مردی جامعه‌شناس و حقیقت بین بود، توجه به امور تفریحی را برای ادامه دادن به کارهای جدی و خستگی‌آور ضروری می‌داند، و مخصوصاً به اهل علم و دانش‌آموزان می‌گوید:

زمانی درس علم و بحث
که باشد نفسِ انسان را کمالی
تنزیل

زمانی شعر و شطرنج و
که خاطر را بود دفع ملالی
حکایت

خدای است آنکه ذات
نگردد هرگز از حالی به حالی
بی‌مثالش

(سعدی، ۱۳۴۰: ۵۳۶)

۲-۱. بازی‌ها و ورزش‌ها

در واقع بازی به تحرک و فعالیت گفته می‌شود که گاهی به صورت جمعی و گاهی فردی انجام می‌شود. این فعالیت ممکن است جسمی و یا ذهنی باشد. بازی‌ها به لحاظ اجتماعی، فرهنگی و مذهبی در اکثر نقاط ایران مشترک بوده‌اند. در این میان بازی‌هایی هستند که مختص مردمان یک قوم یا شهر هستند، این بازی‌ها را بازی‌های بومی و محلی می‌نامند. این بازی‌ها در کشور ما به دلیل تنوع آب و هوایی، زبان و تفاوت فرهنگی مردم، از گستردگی زیادی برخوردار هستند. بازی‌ها در دو گروه فضای باز و فضای بسته تقسیم‌بندی می‌شده و این امکان را برای افراد مهیا می‌کرده‌اند که در هر مکان و شرایطی بتوانند از اوقات خود بهترین بهره را ببرند. در ادامه برخی از اینگونه بازی‌های سنتی و محلی معرفی شده‌اند.

۱-۱-۲. تیراندازی

از جمله ی ورزش‌هایی که جنبهٔ رزمی نیز داشته و برای آمادگی نیروهای نظامی مورد توجه بوده است، می‌توان به تیراندازی اشاره کرد. تیراندازی یکی از قدیمی‌ترین ورزش‌هایی است که هنوز هم انجام می‌شود.

به تربت سپردندش از
نه جای نشستن بُد آماجگاه
تاجگاه

(سعدی، ۱۳۸۷: ۶۶)

به گشتی و نخچیر و آماج و
دلاور شود مرد پرخاشجوی
گوی

(همان: ۷۵)

۲-۱-۲. چوگان بازی

چوگان از ورزش‌های قدیمی ایران محسوب می‌شود. این بازی در گذشته به دلیل حضور پررنگ اسب در آن، عرصه‌ای برای حضور سوارکاران و جنگاوران بود تا از این طریق، استعدادهای سوارکاری خود را در بازی به نمایش بگذارند. «تاریخ پیدایش بازی چوگان و تنظیم آئین‌نامه و مقررات آن به درستی معلوم نیست، آنچه مسلم است این فن و آموزش آن، از حدود دو هزار سال پیش در ایران باستان (در بین طبقات ممتاز) رواج داشته، چنانکه فردوسی، به استناد چند سند قدیمی از جمله کتابی که تاریخ تألیف آن را دو هزار سال قبل از خودش اعلام داشته، پیدایش بازی گوی و چوگان را از دوران کیانیان می‌داند.» (راوندی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۲۱)

ز میدان خالی نبودی چو	همه وقت پهلوی اسبش چو
میل	پیل

(سعدی، ۱۳۸۷: ۱۰۱)

بگفت ار خوری زخم	بگفتا به پایش در اتم چو
چوگان اوی؟	گوی

(همان: ۱۰۲)

چوگان بازی بی‌انگیزه‌ای نبوده است و کاملاً یک بازی استراتژیک است که آمادگی سوار و اسب را با هم نیاز داشته است. سوار و اسب در بازی چوگان مشق رزم می‌کرده‌اند. اسب وقتی مقابل مانعی قرار می‌گیرد، فرار می‌کند اما اسب چوگان به سمت مانع رفته و خود را در شرایطی قرار می‌دهد که سوار، چوگان بزند. اسبی که خود با شرایط چوگان باز در میدان تطبیق می‌دهد براحتی در میدان جنگ نیز حضور می‌یابد.

چو عشق آمد از عقل دیگر
که در دست چوگان، اسیرست
مگویی
گوی

(سعدی، ۱۳۸۷: ۱۰۷)

فراغ دلت هست و نیروی
چو میدان فراخ است گویی
تن
بزن

(همان: ۱۸۴)

۲-۱-۳. شطرنج

شطرنج یکی از کهن‌ترین بازی‌هایی است که امروزه نیز در میان مردم جهان رواج دارد؛ به طوری که قدمت این بازی را بیش از ۱۵۰۰ سال رقم زده‌اند. شطرنج اختراع ایرانیان است. عده‌ای هم آن را ابداع هندیان، یونانیان، رومیان، بابلی‌ها، سکاها، مصریان، یهودیان، چینی‌ها و اعراب دانسته‌اند. اما آنچه که بیش از هر رأی دیگری مورد پذیرش است، این است که شطرنج در اصل هندی بوده، سپس از هند به ایران آورده شده، از ایران به عرب‌ها و جهان اسلام گسترش یافته، و سرانجام از جهان اسلام به اروپا رفته است. در اروپای قرن پانزدهم، شطرنج به شیوه امروزی آن درآمد؛ و در نیمه دوم قرن نوزدهم، مسابقات جهانی شطرنج آغاز گردید. در قرن بیستم، فدراسیون جهانی شطرنج تأسیس شد.

«توجه ایرانیان به تربیت بدنی و نیرومندی، که به سلامت جسم و جان منجر می‌گردد و مانع فرسودگی و درماندگی اعضا می‌شود، مانع از آن نبوده است که آنان به تربیت و پرورش فکر و قوای ذهنی توجه نکنند. نمونه‌ای از ورزش فکر در ایران باستان، رواج بازی شطرنج است که پیدایش آن را بیشتر به دوره‌ی ساسانیان نسبت می‌دهند. ولی به

موجب آثاری که از کاوش‌های باستان‌شناسی به دست آمده است، شطرنج در ایران باید سابقه‌ی کهن داشته باشد.» (راوندی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۲۶)

که افتد که با جاه و تمکین
چو بیدق که ناگاه فرزین شود
شود

(سعدی، ۱۳۸۷: ۲۶۸)

تو دانی که فرزین این
نصیحت‌گر شاه این بقعه‌ای
رقعه‌ای

(همان: ۱۷۸)

۲-۱-۴. شنا

ورزش شنا یکی از قدیمی‌ترین ورزش‌هایی است که تاریخچه آن به دوران باستان بازمی‌گردد. این ورزش که در آغاز به صورت یک مهارت زندگی برای انسان‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت، با گذر زمان به عنوان یک ورزش رقابتی شناخته شد و به اندازه‌ای پرتعداد شد که اکنون به عنوان یکی از محبوب‌ترین رشته‌های المپیک تلقی می‌شود. « توجه ایرانیان به آب و علاقه آنان به نظافت و پاکیزگی و همچنین ورزش و نرمش بدن، شنا را به عنوان یک رشته از فعالیت‌های تربیت بدنی در آورده و آموختن آن را مورد علاقه نوباوگان و جوانان ایران قرار داده است.» (معبودی، ۱۳۸۶: ۲۴۹)

گرفتم که مردانه ای در شنا
برهنه توانی زدن دست و پا

(سعدی، ۱۳۸۷: ۱۱۲)

در آبی که پیدا نگردد کنار غرور شناور نیاید بکار

(همان: ۱۴۱)

۲-۱-۵. کشتی

ورزش کشتی یکی از با سابقه‌ترین رشته‌های ورزشی است که در نزد ملل گیتی از دوران باستان به شکل‌های مختلف برگزار می‌شده و تقریباً در هیچ ایل و قبیله و روستا و شهری نیست که این ورزش برای مردم آشنا نباشد. با اطمینان می‌توان گفت که زور آزمایی و کشتی گرفتن از دوران‌های نخستین ظهور انسان بر روی کرهٔ زمین مورد توجه بوده و در اوغات فراقت یا در جنگ‌ها و نزاع‌ها به شکلی طبیعی و غریزی اجرا می‌شده است. «دیگر از ورزش‌های معروف و معمولی آن ایام، کشتی‌گیری بود که از انواع ورزش‌های مورد توجه و علاقهٔ اکثریت مردم می‌بود.» (معبودی، ۱۳۸۶: ۲۴۸)

مها زورمندی مکن با کِهان که بر یک نمط می‌نماند
جهان

(سعدی، ۱۳۸۷: ۵۷)

مؤلف کتاب فتوت‌نامه سلطانی در مورد پیشینهٔ این ورزش چنین می‌گوید: «اگر پرسند که این هنر از کِه مانده؟ بگوی از اولاد بیغمبر علیه السّلام، که حضرت یعقوب (علیه السّلام) این علم را می‌دانست و فرزندان خود را تعلیم می‌داد و می‌گفت بدانید که این علم شما را به جهت دفع دشمن به کار آید.» (واعظ کاشفی، ۱۳۵۰: ۳۰۷)

به کشتی و نخچیر و آماج و دلاور شود مرد پرخاشجوی
گوی

(سعدی، ۱۳۸۷: ۷۵)

یکی پنجه آهنین راست که با شیر زورآوری خواست
کرد کرد

(همان: ۱۰۷)

گروه پهلوانان برای حفظ موقعیت اجتماعی خویش مکلف بودند که در هر جا که هستند اصول جوانمردی، عفت و اعتدال را رعایت کنند. « کشتی گرفتن هنری است مقبول و پسندیده ملوک و سلاطین، و هر که بدین کار مشغول می‌باشد اغلب آن است که به پاکی و راستی می‌گذراند.» (واعظ کاشفی، ۱۳۵۰: ۳۰۶)

۲-۲. سرگرمی‌ها

یکی از مباحث جالب و دلنشین تاریخ اجتماعی و فرهنگی ایران، مطالعه و تحقیق در تفریحات و سرگرمی‌های اکثریت مردم در ایام فراغت و بیکاری است. به عقیده راوندی « در مملکت ما از دیرباز، برای اکثریت قریب به اتفاق مردم، حق زندگی آزاد و مقرون به عدالت وجود نداشت، به همین جهت زندگی توده مردم در فقر و جهل و مرض و در زیر فشار ظلم و استبداد سپری می‌شد.» (راوندی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۵۴۵)

۲-۲-۱. باده‌نوشی

ادبیات فارسی، مخصوصاً ادبیات عاشقانه و عارفانه فارسی، شدیداً و عمیقاً با بحث شراب آمیخته شده است. با این که کشور ما همیشه یک کشور مذهبی بوده و در قرآن هم صریحاً گفته شده که شراب حرام است، ولی تقریباً با اطمینان می‌توانیم بگوییم که هیچ کشوری به اندازه ایران، ادبیاتش با شراب آمیخته نشده. « یکی از تفریحات طبقات ممتاز و متوسط جامعه ایرانی، میگساری [بود که] در مجالس جشن و یا در میخانه‌ها و خرابات [صورت

می‌گرفت.] و با اینکه این عمل از نظر شرعی و اخلاقی ممنوع و مذموم تلقی می‌شد، اما نه تنها بسیاری از افراد متنعم و طبقات حاکم زمان، بلکه عده‌ای از متفکرین و مردان حسّاس و شرافتمندی که از ظلم امرای ستمگر و عوامفریبی ریاکاران و یا از جهل و بیخبری مردم رنج می‌بردند، برای آنکه ساعتی چند گریبان خود را از قید عقل‌رهایی بخشند، به می‌نوشی مبادرت می‌کردند.» (راوندی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۲۶۶)

ندیدم کسی سرگران از
مگر هم خرابات دیدم خراب
شراب

(سعدی، ۱۳۸۷: ۴۶)

« واژهٔ خرابات در کاربرد ادب فارسی، به معنی تعدادی از مراکز عمومی، مانند: روسپی‌خانه، میخانه، قمارخانه و عشرتکده به کار رفته، و کلاً به محلی اطلاق می‌شده که عده‌ای از افراد لایبالی و فاسق در آنجا گرد آمده و کسب لذت می‌کرده‌اند.» (کیانی، ۱۳۶۹: ۱۱۴)

به میخانه در، سنگ بر دن
کدو را نشانند و گردن زدند
زدند

(سعدی، ۱۳۸۷: ۱۲۲)

« آنچه از بررسی منظومه‌های داستانی برمی‌آید، بزم [باده‌نوشی] از هنرهای شاهانه شمرده می‌شده و آراستن بساط شادی - به شرط آنکه به بی‌توجهی شاه به امور مملکت نمی‌انجامید - یکی از ویژگی‌های پادشاهان قدرتمند و با لیاقت، نموده می‌شده است. » (اخیانی، ۱۳۸۸: ۱۷)

سعدی به توصیف مجلس بزم شاهان می‌پردازد و از میگساری و عیش و طرب آنان سخن می‌گوید، از ظرفا و شاعران و مطربان و غزلسرایان، و از انواع خوراکی‌ها و خرابی‌های اهل مجلس یاد می‌کند:

نظر کرد در صفه‌ی بارگاه	نصیحت‌گر آمد به ایوان شاه
ده از نعمت آباد و مردم خراب	شکر دید و عُنَّاب و شمع و شراب
یکی شعر گویان، صُراحی به دست	یکی غایب از خود، یکی نیم مست
ز دیگر سو آواز ساقی که نوش	ز سویی بر آورده مطرب خروش
سر چنگی از خواب در بر چو چنگ	حریفان خراب از می لعل رنگ

(سعدی، ۱۳۸۷: ۱۲۱)

۲-۲-۲. خروس بازی

تاریخ مملو از سرگرمی‌های وحشتناک و بی‌رحمانه است که شامل سوء استفاده از حیوانات به‌عنوان وسیله‌ای برای سرگرمی است. خروس‌بازی نیز یک نوع تفریح مربوط به حیوانات است که در آن دو یا چند خروس به صورت رقابتی در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند. این مسابقه ممکن است برای تعیین خروسی برتر به‌عنوان یک تفریحی انجام

شود. «جنگ انداختن خروس‌های جنگی با هم که از توحش و علاقه غیر انسانی صاحبانشان منشأ می‌یابد. حیوانات بی گناهی را وسیله بُرد و باخت و تفریح و تفتن خود قرار داده، بعضی از آنها را که در ساق پاها و پنجه‌هایشان آلات فرو رونده و بُرنده مانند نُک درفش و سر تیغه ی چاقو جاسازی می کردند و این که مسابقه به آخر می‌رسید و یکی از آنها در اثر وفور جراحات به او رسیده از خروس حریف، در حالی که هر دو به نهایت مجروح و خون جراحاتش خود و زمین را رنگین کرده است به زمین بیفتد و مجازات باختنش که باعث سرافکندگی صاحبش شده است اینکه هر آینه معالجه نباشد، سرش را با خشن‌ترین وجه ممکن به دست صاحبش کنده بشود.» (شهری، ۱۳۶۷، ج ۴: ۳۵۷)

تو گفتی خروسان شاطر به
فتادند در هم به منقار و چنگ
جنگ

(سعدی، ۱۳۸۷: ۱۱۹)

گر چه شاطر بود خروس
چه زند پیش باز روئین چنگ؟
به
جنگ

(سعدی، ۱۳۶۸: ۵۶)

۲-۲-۳. دید و بازدید

مهمانی‌ها بخشی جدایی ناپذیر از فرهنگ ایرانی است که هم در مناسبت‌های خاص و هم در تعطیلات و جشن‌ها برگزار می‌شود. و مهمان‌نوازی همواره یکی از برجسته‌ترین و ارزشمندترین سنت‌های فرهنگی ایرانیان بوده است. این سنت با ریشه‌های تاریخی و فرهنگی عمیق، از گذشته‌های دور به امروز به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های هویت

ملّی ایرانیان حفظ شده است. « ایرانیان همواره در مهمان نوازی شهرهٔ آفاق بوده‌اند، اگر چه تجدد و شهرنشینی از این روابط تا حدودی کاسته است، اما هنوز دید و بازدیدها زمان قابل توجهی از اوقات فراغت ایرانیان را به خود اختصاص می‌دهد، به ویژه در ایام خاصّ مانند اعیاد ملّی و دینی، جشن‌های شادی و سُرور و یا دیدارهای عرض تسلّیت در سوگواری‌ها.» (شالچیان، ۱۳۸۸: ۷۲)

که باشند مُشتی گدایانِ خَیل به مهمانِ دارالسلامتِ طُفیل

(سعدی، ۱۳۸۷: ۳۶)

یکی رفت و دینار از او صد خَلف بُرد صاحب‌دلی هوشیار
هزار

نه چون مُمسکان دست بر چو آزادگان دست از او بر
زر گرفت گرفت

ز درویش خالی نبودی مسافر به مهمان سرای اندرش
درش

دل خویش و بیگانه خرسند نه همچون پدر سیم و زر بند
کرد کرد

(همان: ۸۲)

آیین باستانی نوروز در ایران از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار است. این ایام از دیرباز رسوم و سنن خاص خود را داشته، یکی از این رسوم طبیعت‌گردی و گشت و گذار بوده است. در ایران « از روز سوم یا چهارم فروردین به بعد که دید و بازدیدها تا حدی تمام می‌شد و مردم فراغت بیشتری می‌یافتند همه برای گلگشت و تفریح سر به صحرا می‌گذارند و خود را با انواع بازی‌ها سرگرم می‌سازند.» (شکورزاده، ۱۳۶۵: ۱۰۶)

سعدی نیز با استناد به خاطره‌ای گشت و گذار در ایام نوروز را به تصویر کشیده:

همی یادم آید ز عهدِ صغر که عیدی برون آمدم با پدر

به بازیچه مشغول مردم در آشوب خلق از پدر گم
شدم شدم

(سعدی، ۱۳۸۷: ۱۹۱)

۲-۲-۴. سفر

در عهد باستان مردم با انگیزه‌هایی مثل به دست آوردن غذا برای خود و دام‌هایشان و زندگی نمودن در مکانی با آب و هوای مطلوب به مسافرت می‌پرداختند. اما به تدریج با بدست آمدن مهارت و فنون، انگیزه‌های انسان در رابطه با سفر تغییر کرد. و مسافرت با انگیزه‌های تجارت، تفریح و سیاحت انجام گرفت. « از دیرباز برای مردم متنعم و میانه حال، مسافرت و سیر و سیاحت هم جنبهٔ تفریحی داشت و هم وسیله‌ای بود برای کسب علوم و فنون و اطلاعات گوناگون. به نظر غزالی سفر، مخصوصاً اگر برای کسب علم باشد بسیار سودمند است، در طی مسافرت هر کس می‌تواند خویشتن را بشناسد و درصدد اصلاح مادات و اخلاق مزوم خود برآید.» (راوندی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۵۵۳)

قضا نقل کرد از عراقم به خوش آمد در آن خاک پاکم
شام مقام

(سعدی، ۱۳۸۷: ۱۳۷)

نه گیتی پس از جنبش آرام نه سعدی سفر کرد تا کام
یافت؟ یافت؟

(همان: ۱۵۲)

اگر پارسایی سیاحت نکرد سفر کردگانش نخواند مرد

(همان: ۱۶۹)

« بشر در طول تاریخ زندگی خود به دلایل گوناگون ناگزیر به انجام سیر و سفر بوده و از تعامل با افراد و اقوام، قبایل دور و نزدیک بهره‌های قابل توجهی را در زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی برده است. » (شالیچان، ۱۳۸۸: ۱۰۹)

غریب آشنا باش و سیاح که سیاح جلاب نام نکوست
دوست

(سعدی، ۱۳۸۷: ۴۴)

قناعت توانگر کند مرد را خبر کن حریص جهانگرد را

(همان: ۱۴۵)

نه گیتی پس از جنبش آرام نه سعدی سفر کرد تا کام
یافت؟ یافت؟

(همان: ۱۵۲)

سعدی شیرازی خود به عنوان یک جهانگرد که سی سال از عمر خود را در سفر گذرانده بهتر از هر کسی در آثارش به سفر پرداخته است، وی در طول زندگی‌اش چندین سفر مهم داشته و ۱۴ بار هم به حج رفته است. حد شهرهایی که سعدی به سفر پرداخت از شرق به کاشغر چین و از غرب به طرابلس بوده است. وی از سفرهای دریایی یاد نموده است:

ز دریای عمان برآمد کسی سفر کرده هامون و دریا بسی

(همان: ۴۶)

قضا را من و پیری از فاریاب رسیدیم در خاک مغرب به
آب

مرا یک درم بود برداشتند به کشتی و درویش بگذاشتند

سیاهان براندند کشتی چو که آن ناخدا ناخداترس بود
دود

(همان: ۱۰۹)

۲-۲-۵. شکار

شکار به عنوان یکی از تفریحات مهیج و نشاط‌آور در نزد بزرگان و سلاطین، و در نزد افراد عامه بیشتر جنبهٔ امرار معاش داشته و یکی از پیشه‌های آنان محسوب می‌شده است: « قبل از آنکه انسان با کشاورزی و اهلی کردن حیوانات آشنا شود، شکار و صید حیوانات برای انسان بدوی و بیابان‌گرد، امری ضروری و حیاتی بود. پس از آنکه بشر به رموز و فنون کشاورزی و چوپانی آشنا شد شکار اهمیت دیرین خود را، از کف داد مخصوصاً پس از آنکه وسایل تولیدی تکامل یافت، جامعه‌ی اشتراکی جای خود را به جامعه‌ی طبقاتی

داد، و بردگی و استثمار انسانی از انسانهای دیگر معمول شد، در این دوره‌ی تاریخی، طبقات ممتاز که فراغت و آسایش بیشتری داشتند به نخجیر کردن و شکار حیوانات وحشی علاقه بسیار نشان دادند و شکار که روزگاری جنبه‌ی حیاتی داشت، برای طبقه‌ی مرفه بیشتر جنبه‌ی تفریحی به خود گرفت.» (راوندی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۲۱)

پس از غرم و آهو گرفتن لگد خوردی از گوسفندان حی
به پی

(سعدی، ۱۳۸۷: ۱۳۲)

بنامردی از هم بدادیم دست چو ماهی که با جوشن افتد به
شست

(همان: ۱۳۸)

برنامه شکار شاهان و بزرگان همواره با حشمت و جاه فراوان همراه بوده و در رکاب همایونی امیران معظم، یلان جنگجوی و رزمجویان نامجوی و بسیاری دیگر از ندیمان و ملازمان نیز موبک سلطانی را همراهی می نمودند:

شنیدم که باری به عزم شکار برون رفت بیدادگر شهریار

(همان: ۶۷)

یلان کماندار نخجیر زن غلامان ترکش کش تیر زن

(همان: ۱۱۰)

نحوه‌ی صید کردن نیز در میان صیادان متنوع و متفاوت بوده و عده‌ای با به دام انداختن و به کمند بستن و بعضی نیز با پرتاب تیر و نیزه و برخی با یوزان و بازان و سگان به شکار و صید می پرداختند.

چو کرکس بر دانه آمد فراز گره شد بر او پای بندی دراز

(همان: ۱۴۱)

« باز، پرنده‌ای شکاری است که آن را برای شکار پرندگان کوچکتر تربیت می‌کرده‌اند. در تربیت بازها رسم بوده است که وقتی جوجه‌ی باز را می‌گرفته‌اند، از همان نوزادی چشمش را با پارچه‌ای که مانند کلاه بود می‌پوشانند و فقط به هنگام دادن طعمه به او، آن کلاه را بر می‌داشته‌اند. بر اثر تکرار این عمل، باز با چنین کسی که او را " بازدار " می‌خوانده‌اند، انس و الفت برقرار می‌کرده است و هر کجا که می‌رفته است به نزد او باز می‌گشته است.»
(شفیعی کدکنی، نقل از: عطار، ب، ۱۳۸۶: ۳۸۹)

یکی باز را دیده بر دوخته یکی دیده‌ها باز و پر سوخته
ست است

(سعدی، ۱۳۸۷: ۳۵)

در امر شکار، از دیگر حیوانات شکاری نیز مثل سگ و یوز استفاده می‌شده است:
نتابد سگ صید روی از ز روبه رمد شیر نادیده جنگ
پلنگ

(همان: ۷۵)

همچنان که در متون کهن و در اشعار برخی از شعرای قدیم می‌خوانیم ایرانیان بر این باور بودند که یوزپلنگ علاقهٔ زیادی به خوردن پنیر دارد. همچنان که سعدی نیز از آن یاد می‌کند:

بر آن مرد گُند است دندان که مالد زبان بر پنیرش دو
یوز روز

(همان: ۸۸)

۲-۲-۶. قمار بازی

قمار از جمله سرگرمی‌هایی است که از دیرباز در ایران معمول بوده و قمار بازان که اکثراً دل‌باخته این کارند در محافل خصوصی یا در قمارخانه‌ها به این امید که پول یا چیز دیگری به کف آرند گرد می‌آمدند. قمار انواع بازی‌های مختلفی نظیر: «نرد»، «شطرنج»، «پوکر»، «گنجفه» و «پاسور را در بر می‌گیرد. « به طور کلی قمار، یعنی بازی‌هایی که در آن برد و باخت باشد.» (راوندی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۵۲۲)

کز این کم زنی بود ناپاکرو
کلاهِش به بازار و میزِ گرو

(سعدی، ۱۳۸۷: ۹۵)

۲-۲-۷. موسیقی

یکی از تفریحات اساسی طبقات مختلف، شنیدن آواز خوانندگان و نوای دلنشین سازندگان و نوازندگان است. موسیقی یکی از علوم و هنرهایی است که ایرانیان همواره در طول تاریخ باستانی خویش از پیشگامان عرضه ی آن بوده اند. «بطوریکه از منابع تاریخی بر می‌آید در مجالس عیش و نوش طبقات متوسط و بالای اجتماع که از نظر مادی چندان در مضیقه نبودند، جمعی از هنرپیشگان و ارباب ذوق و خوانندگان خوش‌الحان و سازندگان و نوازندگان و رقاصان و شاعران و ندیمان و مجلس آرایان و ظرفا و نکته‌گویان و جوانان زیبا و خوش اندام به عنوان ساقی شرکت می‌کردند.» (راوندی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۵۵۹)

منه بر جهان دل که
چو مطرب که هر روز در
بیگانه‌ای است
خانه‌ای است

(سعدی، ۱۳۸۷: ۶۷)

شنیدم که بر لحن خنیاگری به رقص اندر آمد پری پیکری

(همان: ۱۰۲)

یکی بر بطی در بغل داشت به شب در سر پارسایی
مست شکست

(همان: ۱۳۲)

« مطرب اصطلاحی کلی برای نوازنده، خواننده و رقاص است. مطرب شخصی بوده است که در جمع، برای سرگرمی تماشاگران، خوانندگی، رقاصی و لودگی می‌کرد. واژهٔ مطرب در فرهنگ ایرانی علاوه بر وظیفهٔ بزم‌گردانی و اجرای موسیقی، تداعی‌کنندهٔ نوعی استهزاء و تحقیر است. این تحقیر، پیامد کشاکش‌های عقیدتی فرقه‌های مذهبی است که در قرن هفتم دامنه‌ای وسیع یافت. » (نصری اشرفی، ۱۳۸۳: ۱۲۶)

۸-۲-۲. معرکه‌گیری

از جمله تفریحات و سرگرمی‌های مردم دنیای قدیم، جمع شدن دور معرکه‌گیران و شعبده‌بازان و تماشای برنامهٔ آنان بود؛ سنتی که هنوز کم و بیش به حیات خود ادامه می‌دهد. « معرکه موضعی را گویند که شخصی باز ایستد و گروهی مردم آنجا بر وی جمع شوند و هنرش به ظهور رساند و این موضع را معرکه گویند. » (واعظ کاشفی، ۱۳۵۰: ۲۷۵)

نگیرد خردمند روشن ضمیر زبان بند دشمن ز هنگامه گیر

نه آیین عقل است و رأی و که دانا فریب مُشعِد خورد

خرد

(سعدی، ۱۳۸۷: ۱۳۳)

« امروز در میان فارسی زبانان « شعبده » به ضم شین، به معنی نیرنگ سازی و حقه‌بازی است. چنانکه می‌گویند: فلان، شعبده باز است یا به شعبده بازی کار خود را می‌سازد.» (راوندی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۶۳۱)

فشاندهش قضا بر سر از فاقه
مُشعبدِ صفت، کیسه و دست
خاک
پاک

(سعدی، ۱۳۸۷: ۸۶)

نه آیین عقل است و رأی و
که دانا فریب مُشعبدِ خورد
خرد

(همان: ۱۳۳)

غازی نیز فردی بوده که با بند بازی مردم را در میادین شهر به خود مشغول می‌کرده است:

چو غازی به خود بر نبندند
که محکم رَوَد پای چوبین ز
پای
جای

(همان: ۱۰۳)

۳. نتیجه‌گیری

تعداد بی‌شماری از بازی‌های قدیمی با شرایط و روحیات افراد در زمان موجود سازگاری ندارد و به طور کامل از زندگی اجتماعی افراد کنار رفته و به دست فراموشی سپرده شده است. به هر حال مطالعه بر روی این بازی‌ها می‌تواند ما را با گوشه‌هایی پوشیده از آداب، رسوم و روابط اجتماعی دنیای قدیم آشنا کند و ما را در شناخت تاریخ و نحوه زیست دیروزمان یاری رساند. با مطالعه کتاب بوستان به سرگرمی‌ها و ورزش‌هایی همچون شطرنج، شنا، کشتی، مسافرت و موسیقی برخورد می‌کنیم که هنوز در حال ادامه حیات هستند و تفریحاتی مانند تیراندازی و شکار، دید و بازدید و معرکه‌گیری‌ها به صورت کمابیش در گوشه‌هایی از مناطق محلی و باده‌نوشی و خروس‌بازی و در کل قماربازی به سمت فراموشی و گاهی در لوای نهانی و بازی‌چوگان به طور کلی به فراموشی سپرده شده است.

منابع

- اخیانی، جمیله. (۱۳۸۸). بزم آرایبی در منظومه های داستانی، چاپ اول، تهران: انتشارات سخن.
- دالوند، حمیدرضا. (۱۳۸۵). « تاریخ پژوهش های فرهنگ مردم در ایران (۳) » مجله ی فرهنگ مردم، سال پنجم، شماره هفدهم، ص ۱۷۸-۱۹۱.
- راوندی، مرتضی. (۱۳۷۲). تاریخ اجتماعی ایران، ج ۵ و ۶ و ۷، چاپ سوم، تهران: انتشارات روزبهان.
- سعدی، مصلح بن عبدالله. (۱۳۴۰). دیوان، تصحیح محمدعلی فروغی، چاپ اول، تهران: انتشارات کانون معرفت.
- سعدی، مصلح بن عبدالله. (۱۳۶۸). گلستان سعدی، تصحیح غلامحسین یوسفی، چاپ اول، تهران: انتشارات خوارزمی.
- سعدی، مصلح بن عبدالله. (۱۳۸۱). بوستان سعدی، تصحیح رضا انزابی نژاد و سعید قره بگلو، چاپ دوم، تهران: انتشارات جامی.
- سعدی، مصلح بن عبدالله. (۱۳۸۱). شرح بوستان، تصحیح محمد خزائلی، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات جاویدان.
- سعدی، مصلح بن عبدالله. (۱۳۸۵). غزلهای سعدی، تصحیح غلامحسین یوسفی، چاپ اول، تهران: انتشارات سخن.
- سعدی، مصلح بن عبدالله. (۱۳۸۷). بوستان سعدی، تصحیح غلامحسین یوسفی، چاپ نهم، تهران: انتشارات خوارزمی.
- شهری، جعفر. (۱۳۶۷). تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم، ج ۶، چاپ اول، تهران: انتشارات اسماعیلیان.
- شالچیان، طاهره. (۱۳۸۸). آداب و فرهنگ سفر، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- شکورزاده، ابراهیم. (۱۳۶۵). مواظ و حکم سعدی، مشهد: انتشارات قدس رضوی.
- عطار، محمد بن ابراهیم. (۱۳۸۶). اسرار نامه (ب)، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ سوم، تهران: انتشارات سخن..
- کیانی، محسن. (۱۳۶۹). تاریخ خانقاه در ایران، چاپ اول، تهران: کتابخانه ی طهوری.

- معبودی، زهرا. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی در آثار سعدی، چاپ دوم، تهران: انتشارات تیرگان.
- نصری اشرفی، جهانگیر. (۱۳۸۳). نمایش و موسیقی در ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات آرون.
- واعظ کاشفی، حسین. (۱۳۵۰). فتوت‌نامه‌ی سلطانی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.